

# کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کره در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۸۰۴ جمعه ۱۵ مرداد ۱۴۰۰ ۶ آگوست ۲۰۲۱

- ۲ «مصطفی هجری» در رابطه با ثبت «هورامان» به عنوان میراث جهانی پیامی را منتشر نمودند
- ۲ مراسم اختتامیه دوره آموزشی کمیته زاگروس وابسته به تشکیلات کل حزب دمکرات کوردستان ایران
- ۳ یک محقق کورد مدرک دکترای خود را به دکتر «صادق شرفکندی» تقدیم کرد
- ۳ جنگل‌های کوردستان طعمه حریق دشمن

www.kurdistanmedia.com



روحانیون در کمین قدرت



آنچه در بازداشتگاه‌ها و زندان‌های ایران بر سر زندانیان سیاسی می‌رود ...



گذار از ترس به خشم؛ فروپاشی استبداد



بررسی فواید و ضررهای مذاکره با آمریکا

**سخن**  
زندانی  
درون  
زندان  
کریم پرویزی

## «دولت انقلابی»؛ سرکوب داخلی و آشوب بین‌المللی

زندگی کردن در ایرانی که سیستم کلونیالیستی بر آن حاکم است، نه تنها آزادانه و همراه با خوشبختی نیست بلکه زندگی‌ای لبریز از شوربختی و تحقیر شدن است و می‌توان آنرا زاده‌شدن تن و فناشدن عمر در زندانی بزرگ به نام ایران نامید.

کلونیالیسم حاکم، جغرافیای وسیع و متنوع ملیتی ایران را به زندانی بزرگ و گسترده تبدیل کرده که انسان‌ها در آن به دنیا آمده و در آن زندان بزرگ عمرشان هدر رفته و با متحمل شدن فلاکت و همچنین دنیایی از حقارت، به زندگیشان خاتمه می‌دهند.

در دل این زندان گسترده، رژیم ولایت فقیه در همه شهرها نیز زندانی دیگر ساخته و آن دسته از مردم که به اندازه سر سوزنی متفاوت به دنیا نگریسته، بازداشت و زندانی می‌کند تا بلکه با این اقدامات سرکوبگرانه بتوانند آرامی مخوف زندان بزرگ را حفظ کنند!

در دل این زندان‌های بتنی با درهای فولادی که با نگهبانان و جلادان خامنه‌ای مراقبت می‌شود، آنچه موجب تحیر است برپا کردن زندانی دیگر درون زندان است! کسانی که بازداشت و زندانی می‌شوند، در داخل خود زندان با زندانی دیگر روبه‌رو می‌شوند، منتها در این موارد این برخی از زندانیانند که مبدل به زندانبان شده‌اند!

اخیرا صدایی شیوا و دلیر فریاد زد که زندانیان ملیت‌های تحت ستم رژیم، در داخل زندان از سوی برخی از زندانیان ملیت حاکم به حاشیه رانده و دور افکار و اندیشه‌های خود را سیم خاردار کشیده‌اند!



وضعیت داخلی خود ایران است، با این تعبیر که دولت انقلابی که رئیس شعارش را می‌دهد با معترضین و مخالفان رژیم و حتی کسانی که اندک تفاوت داشته باشند با سیاست‌های نظام، انقلابی برخورد و همه را سرکوب کند. بر همین اساس ایجاد ائتلافی سراسری از همه ملیت‌ها و جریان‌های سیاسی فعال اپوزیسیون، ضروری و در صورت عدم تحقق آن بایستی منتظر برخورد انقلابی با دگراندیشان با فرمان رهبر رژیم و با شعار «آتش به اختیار» علیه مخالفان و به ویژه ملیت‌های تحت ستم باشیم.

این طور آن آرامشی که رئیسی در موردش صحبت کرده در حقیقت آرامشی است برای رژیم و سرکوب مردم ایران. به گفته کارشناسان مفهوم «دولت انقلابی» که رئیسی از آن نام برده است؛ می‌توان در دو بعد بررسی کرد: اول این که منظور او از دولت انقلابی تداوم همان سیاست صدور انقلاب رژیم بوده که خمینی بنیانگذار آن بود و در صد بی‌ثبات کردن منطقه و دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه است با هدف اشغال آن کشورها. بعد دوم آن در حقیقت مرتبط با

نیز بازداشت شدند. معترضان بعد از برخورد وحشیانه رژیم شعارهای خود را تغییر داده و خواستار سرنگونی این رژیم ناقض حقوق بشر شدند. شعارهای رئیس جمهور گماشته رژیم در حالی است که مجلس این کشور در حال تصویب طرح «صیانت در فضای مجازی» بوده و این خود نقض کامل آزادی بیان و حقوق شهروندان است! امنیت و آرامشی که رئیسی از آن نام برده و مدعی شده که دولتش در صد تامین آن است مگر در کشورهای کره شمالی و کوبا همپیمانان بتوان سراغ گرفت! که

آمریکا باشد یا اروپا، فلسطین، یمن و سوریه، به شدت محکوم و در مقابل آن خواهیم ایستاد! به گفته رئیسی، ایران «قرن پانزدهم»، ایرانی خواهد بود که پیام تحول، عدالت خواهی و استقلال و همچنین ایستادگی در مقابل ستمکاران و زیاده‌خواهان خواهد بود! حرف‌های رئیسی در حالی می‌باشد که چند روز پیش مردم معترض ایران و به‌ویژه الاحواز علیه سیاست‌های تبعیض آمیز رژیم به خیابان‌ها آمدند که با سرکوب شدید نیروهای امنیتی رژیم چند تن از معترضین کشته و صدها نفر

مراسم تحلیف رئیس جمهور تازه رژیم «ابراهیم رئیسی» روز پنجشنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۰، در مجلس رژیم و تحت تدابیر شدید امنیتی و جو پلیسی در ایران و به ویژه تهران برگزار شد. در این مراسم «رئیسی» به عنوان هشتمین رئیس جمهور رژیم، با اشاره به چند مفاهیمی همچون «حقوق بشر» و احترام به ارزش‌های جهان شمول تاکید کرد که دولتش از مدافعان حقوق بشر خواهد بود! رئیسی در ادامه تاکید کرد که ما در «ایران نو» با ایجاد «دولتی انقلابی» هر گونه تعرض و نقض حقوق بشر را در هر جای دنیا چه،

# «مصطفی هجری» در رابطه با ثبت «هورامان» به عنوان میراث جهانی پیامی را منتشر نمودند

دستاوردهای میهن دوست و مبارز هورامان و به ویژه در بخش شرقی آن که در کردستان ایران واقع شده، تبریک عرض می‌نماییم.

**حزب دمکرات کردستان ایران**  
**مسئول اجرایی**  
**مصطفی هجری**  
**۹ مرداد ۱۴۰۰ خورشیدی**

کرد شناخته شده است. بسی جای خوشحالی است که «یونسکو» در آخرین تصمیم خود، بخش شرقی هورامان را به عنوان میراث باستانی جهانی ثبت کرده است.

این تصمیم «یونسکو» بیانگر آن است که کردستان دارای تاریخی کهن و ملت کورد وارث میراثی غنی و متمدن می‌باشد. به همین مناسبت از سوی حزب دمکرات کردستان ایران این

«مصطفی هجری» مسئول اجرایی حزب دمکرات کردستان ایران طی پیامی ثبت «هورامان» را به عنوان میراث جهانی به ملت کورد و به ویژه مردم «هورامان» تبریک گفتند.

متن پیام این چنین است: «هورامان» منطقه‌ای تاریخی و با دنیایی افتخار در زمینه‌های ادبی، سیاسی، فرهنگی و از همه مهمتر به عنوان سنگر و پشتیبان همه مبارزات و مقاومت‌های ملت



# مراسم اختتامیه دوره آموزشی کمیته زاگروس وابسته به تشکیلات کل حزب دمکرات کردستان ایران



مسئول کمیته «زاگرس» نیز در مورد فعالیت و چگونگی برگزاری این دوره مطلبی را برای حاضرین ارائه نمود.

سپس در ادامه مراسم از جانب «محمد نظیف قادری» معاون دوم مسئول اجرایی حزب دمکرات کردستان ایران با اهدای لوح تقدیر از مدرسان این دوره قدرانی به عمل آمد.

در بخش دیگری از مراسم، مدرک دوره به شرکت کنندگان این دوره اهدا شد.

در پایان مراسم از تلاش‌ها و زحمات ۳ عضو هیات اجرایی کمیته زاگرس قدرانی شد. همچنین مسئول کمیته تشکیلاتی کمیته زاگرس انتخاب شد.

کمیته زاگروس وابسته به تشکیلات کل حزب دمکرات کردستان ایران، با موفقیت دوره سیاسی - آموزشی خود را به پایان رساند و روز یکشنبه سوم مردادماه مراسمی ویژه برای پایان این دوره سیاسی - آموزشی برگزار کرد.

در این مراسم از مدرسان این دوره تقدیر و تشکر و همچنین مدرک به شرکت کنندگان این دوره اهدا شد.

این مراسم با سرود ملی «ئهی ره‌قیب» و چند لحظه سکوت به پاس جانفشانی شهیدان کورد و کردستان آغاز شد.

سپس «ظاهر محمودی» مسئول تشکیلات کل حزب دمکرات کردستان ایران مطلبی را در خصوص این دوره ارائه داد. در ادامه «آسکه حسن زاده»

# کیانوش رستمی با هشتگ «کورد و کردستان» اعتراض خود را به رژیم ابراز داشت



پشت در اتاق کارشان بایستید. «رستمی» تاکنون چندین مدال جهانی و المپیک را در رشته «وزنه‌برداری» کسب کرده است.

«کیانوش رستمی» پیشتر نیز گفته بود مسئولان رژیم فقط برای عکس گرفتن به استقبال ما می‌آیند و اگر برای انجام کاری به آنها رجوع کنید باید ۱۰ روز

«کیانوش رستمی» ورزشکار کورد رشته «وزنه‌برداری» در صفحه اینستاگرام خود و در اعتراض به عدم حضور وی در مسابقات المپیک نوشت: «آقایان تبریک می‌گویم که نگذاشتید سومین مدال المپیک را کسب کنم»، چه کسی می‌خواهد جواب من را بدهد؟

«رستمی» با هشتگ «کورد و کردستان» هویت ملی خود را بر همگان آشکار ساخت. ورزشکاران کورد و غیر کورد در ایران به علت سیاست‌های رژیم ایران همیشه دچار مشکل شدند.

# دادگاه جنایی «هولیر» حکم اعدام ۳ نفر از قاتلین یک پیشمرگه کردستان را صادر کرد

کل ۳ نفر مجری جنایت را محکوم به اعدام و ۲ نفر دیگر را به جرم همکاری و مشارکت در قتل، هرکدام به ۵ سال زندان و جریمه نقدی محکوم شدند. این پرونده در دادگاه جنایی «هولیر» به عنوان یک پرونده‌ای جنایی و نه تروریستی بررسی شده است. مورخ ۱۶ اسفند ماه ۱۳۹۶ خورشیدی، جنازه شهید «قادر قادری» در منطقه «باليسان» سلیمانیه پیدا شد و انگشت اتهام به سوی سران رژیم ایران نشانه رفت.



محکوم کرد. مجرمین اعتراف کردند که رژیم ایران به آنها در قبال این جنایت کمک مالی کرده و وکیل مدافع مجرمین نیز صحت آن را تایید کرده است. دادگاه در

روز دوشنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۰، شعبه ۲ دادگاه جنایی «هولیر»، بعد از پروسه‌ای طولانی اتهام قتل پیشمرگه شهید «قادر قادری» را اثبات و مجرمین را به حکم اعدام

# یک محقق کورد مدرک دکترای خود را به دکتر «صادق شرفکندی» تقدیم کرد



در زمینه سلولهای بیولوژیکی سرطان سینه در سال ۲۰۱۴ این مقطع تحصیلات خود را با موفقیت پشت سر گذاشت و بعد از مدتی تحقیق در مورد پلیتلت و خون، توانست مدرک دکترای خود را در زمینه بیماریهای قلبی و عروقی را اخذ کند. متخصن، تحقیقات نامبرده را منحصر به فرد خوانده و گفته‌اند در آینده می‌توانند برای درمان بیماری سرطان از آن استفاده کرد. دکتر «کوچر» در احزابی مانند حزب کارگران بریتانیا و حزب سوسیال دمکرات سوئد نیز فعال بوده است.

به الگویی برای من بدل شده بود که در هر شرایطی سعی داشتیم به مانند وی در زمینه سیاست و تحصیلات فردی موفق باشم. «کوچر ولدییگی» اهل کوردستان ایران می‌باشد که در سال ۱۳۶۲ در روستای «هاوار» از توابع استان حلبچه در کوردستان عراق متولد شده است. نامبرده در دانشگاه «کوتتری» بریتانیا مدرک لیسانس پزشکی را به اتمام رسانده و در سال ۲۰۱۲ در دانشگاه «بیرمنگهام» مشغول به تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد بوده است. پس از انجام تحقیقاتی موفق

دکتر «کوچر ولدییگی» پس از اتمام تحقیقاتش و اخذ مدرک دکترای خود در زمینه بیماریهای قلبی و عروقی مدرک دکترای خود را به دکتر «صادق شرفکندی» دبیرکل پیشین حزب دمکرات کوردستان ایران تقدیم کرد. این محقق کورد در مقدمه کتاب خود نوشته است، زمانی که هفت ساله بودم از نزدیک دکتر «صادق شرفکندی» که آن زمان دبیرکل حزب دمکرات کوردستان ایران بود را دیدم. دکتر «کوچر» اظهار داشته است، سطح آگاهی، کاریزما و فداکاری دکتر صادق شرفکندی

## جنگل‌های کوردستان طعمه حریق دشمن



ارگانهای مربوطه، جنگل‌های همچنان در آتش می‌سوزند. پیشتر نیز در اکثر مناطق کوردستان مزدوران و نیروهای وابسته رژیم در راستای نابودی طبیعت کوردستان، جنگل‌ها را آتش زده و با تلاش مردم و فعالان زیست محیطی کوردستان، این آتش‌ها را مهار و خاموش کرده بودند.

متأسفانه تاکنون ادامه دارد. به گفته مردم مریوان رژیم نه تنها کمکی به خاموش کردن آتش نکرده است بلکه خود عامل این آتش‌سوزی‌ها بوده و به دنبال نابودی محیط زیست کوردستان هستند. با وجود تلاش بسیار مردم منطقه و فعالان زیست محیطی و به علت نبود امکانات لازم و عدم همکاری

جنگل‌های کوردستان و به ویژه «هانه شیخان و دهره‌هوان» مریوان طعمه آتش اشغالگران شده و بعد از گذشت چند روز همچنان این آتش‌سوزی‌ها با وجود تلاش زیاد مردم و فعالین زیست محیطی ادامه دارند. این آتش‌سوزی‌ها از عصر جمعه ۱ مرداد ماه شروع شده و به دلیل گستردگی و آتش زدن پیاپی دشمنان حیات و طبیعت

## مراعات شهرستان «مهاباد» توسط مزدوران رژیم ایران به آتش کشیده شد



هکتار از مزارع این منطقه طعمه حریق شده است. براساس اخبار رسیده، این مراعات و نی زارها محیط زندگی دهها «شارویران» شهرستان «مهاباد» را به آتش کشیدند. بر اساس گزارشات رسیده، آتش سوزی در نزدیکی روستای «داشخانه» منطقه «شارویران» به سمت روستای «بفروان» در منطقه «شامات» در نزدیکی «مهاباد» روبه افزایش است. به سبب این آتش سوزی دهها

مژگان کاوسی، زندانی کورد فریاد زد که در زندانی اوین و بند جنگل! شماری از زندانیان فارس با فشار فکری و روانی، به فعالین ملیت‌های غیر فارس فشار آورده که آنها نیز خود زندانی دست رژیم ستمگرند! البته این را هم می‌گویند که برخی از آنها نیز بوده‌اند که چنان رفتار نکرده‌اند. ممکن است این طور به نظر برسد که در زندانی به وسعت ایران و به دنبال آن در دل زندان‌های بتنی، رژیمی ستمکار حاکم بر این سرزمین و زندان است و بدین علت رفتار مردمان ایران تحت فشارهای روانی چنان شکلی گرفته باشد که با دیگران و با یکدیگر چنان رفتار میکنند و جو تحت سلطنتی چنان کارکردی دارد، اما اگر به خارج از ایران نیز نگاه کنیم در بر همان پاشنه می‌چرخد! مسئله در اینجا این است که همچنان که مژگان کاوسی گفته، نمی‌خواهند بشنوند! مردمانی که از دست فشار و ستم رژیم ایران دربدر و پناهنده کشورها شدند، دوباره همان رفتار و عملکردها را در میانشان مشاهده می‌کنیم. دوباره به فعالین ملیت‌های غیر فارس ها به انگهای تکراری زده شده و حاملین افکار فاشیسم ایرانی در هر جا و مکانی با تکرار همان اتهامات رژیم ایران سعی در تحقیر و تهمت زدن به فعالان کورد، تورک، عرب، بلوچ و ترکمن دارند! مسئله اساسی در افکار و ایمانشان است و آنان به دور افکار و عقایدشان دیواری بتنی کشیده‌اند و درواقع زندانشان را با خود به دور دنیا می‌گردانند. تا زمانی که دیوار دگماتیسم مغزیشان را فرو نریزند و واقعیت ایران چند ملیتی را نبینند، اسیر زندان خودساخته خواهند بود!

### ادامه سخن

## بحران بی آبی گریبان زاگروس را نیز خواهد گرفت



تالاب «هشیلان» یکی از تالاب‌های منحصراً به فرد کوردستان و ایران است که بیش از ۱۱۰ هزار هکتار میزبان هزاران پرنده مهاجر و زیستگاه بسیاری از گونه‌های گیاهی و جانوری است.

لیتر در ثانیه کاهش یافته است. به گفته منابع محلی در شهرستان کرماشان، این تالاب در چند سال گذشته یک بار به تمامی خشک شده بود که انقراض برخی گونه‌های جانوری این منطقه را به دنبال داشت.

خبرگزاری‌های محلی با انتشار خبری اعلام کرده‌اند تالاب «هشیلان» از تالاب‌های استان «کرماشان» در هفته‌های گذشته خشک خواهد شد. همچنین در این خبر آمده است که وزارت نیرو حقایق این تالاب را نمی‌دهد. رئیس اداره محیط زیست رژیم در شهرستان کرماشان نیز پیشتر اعلام کرده بود که این تالاب در حال خشک شدن است. این مسئول رژیم در شهرستان کرماشان گفته بود که دبی سراب «سه‌وزعلی» که سرچشمه آب این تالاب است نسبت به سال گذشته حدود یک سوم یعنی بین ۶۰ تا ۷۰

# بررسی فواید و ضررهای مذاکره با آمریکا



پس از مصادره انقلاب مردمان ایران توسط خمینی و اطرافیانش و در پیش گرفتن رفتار خصمانه در منطقه روابط ایران با آمریکا همواره پر تنش بوده و به جزء مقاطع کوتاهی همواره احتمال رویاروی نظامی میان دو کشور وجود داشته است و سال گذشته یکی از پر تنش ترین سال ها بود که احتمال جنگ و بر خورد نظامی میان دو کشور به اوج رسید و با روی کار آمدن دولت بایدن امید به مذاکره و توافق سیاسی افزایش یافت و از تنش ها و خطر جنگ کاسته شد اما علی رغم این خوشبینی ها پس از چند ماه گفتگو هنوز مذاکرات به نتیجه ای نرسیده و با توجه به افزایش فعالیت های هسته ای ایران و اتفاقات اخیر از جمله حمله به کشتی ها نگرانی ها از به نتیجه نرسیدن مذاکرات و برخورد نظامی میان ایران و آمریکا و همپیمانان شان باز هم بالا رفته است. مقالات زیادی در مورد روابط آمریکا و ایران و دلایل مشکلات و تنش ها و به نتیجه نرسیدن مذاکرات نوشته شده است و از زوایای مختلف این مسائل تحلیل و بررسی شده اند اما لازم است با در نظر گرفتن شرایط کنونی آمریکا و ایران و با توجه به اتفاقات اخیر به ویژه سخنان خامنه ای در مورد فواید و ضررهای مذاکره با آمریکا این موضوع را بررسی کنیم و به سوالات مهمی در این مورد پاسخ بدهیم.

## چرا ایران و آمریکا روابط خصمانه ای دارند و مذاکرات بر سر چه مسائلی است؟

برای بررسی فواید و ضرر های مذاکره و اینکه حق با کدام طرف است ابتدا باید ببینیم دلیل مشکلات ایران و آمریکا چیست و مذاکرات بر سر چه مسائلی است؟ در چندین مقاله این

درستی در مورد رفتار بین المللی کشورها داشت. مسلما آمریکا و روسیه و چند قدرت دیگر جهانی ضمن رقابت با یکدیگر برای حفظ منافع شان تمایلی ندارند که قدرت و نفوذ کشورهای دیگر بیشتر شود و دلیل اصلی مشکلات و رفتار خصمانه میان قدرت های جهانی با کشورهای به اصلاح در حال رشد و ضعیف ریشه در همین مسائل دارد. همه در حال رقابت

برای افزایش قدرت و نفوذش در سطح منطقه و جهان تلاش کند اما رژیم ایران به جای اینکه از تجربه موفق ژاپن و کره جنوبی و ... استفاده کند عملا از همه منابع و امکانات ایران در راه اشاعه ایدئولوژی نفرت انگیزی استفاده می کند که همه جهان را شر و افکار و عقاید آخوندهای فاسد حاکم در تهران را خوب و خیر مطلق می داند و برای رسیدن

رژیم افراط گرای ایران ۱ بمب اتم تولید کند نگران نخواهند شد. با توجه به مطالب گفته شده مشکلات ایران و آمریکا بر سر افزایش نفوذ و قدرت است و ایران هم همچون همه کشورها حق دارد به دنبال افزایش نفوذ و قدرت در سطح منطقه و جهان باشد اما رفتار افراط گرایی رژیم ایران باعث شده مشکلات بسیار بزرگتر شوند و نسبت به ایران احساس خطر

هیچ جایگاهی در این مذاکرات ندارند همانگونه که در مذاکرات میان آمریکا و کره شمالی هم مسائل حقوق بشری و انسانی مطرح نبود و تنها مذاکرات بر سر مسائل هسته ای و موشکی بود.

## فواید و ضرر های مذاکره و توافق برای آمریکا:

از نظر آمریکا رژیم ایران یک رژیم ایدئولوژیک و خطرناک

کرد، رژیم ایران در بدترین شرایط اقتصادی ۴۲ سال گذشته قرار دارد و در صورت توافق با ایران دهها میلیارد دلار از پول های مسدود شده ایران آزاد خواهد شد و این کشور فروش نفت و روابط اقتصادی با دیگر کشورها را آغاز خواهد کرد و تجربه نشان داده است که رژیم ایران از این پول ها بیشتر برای اهداف ایدئولوژیک استفاده می کند تا بهبود اوضاع اقتصادی ایران و حل مشکلات مردم و این به ضرر آمریکا است چون رژیم ایران ذاتا با آمریکا دشمن است و توافق به مشکلات ما بین این دو کشور پایان نمی دهد و در آینده باز هم شاهد افزایش تنش میان این دو کشور خواهیم بود و این توافق همچون قرص آرام بخشی است که به یک بیمار داده می

شود و پس از چند ساعت که اثر قرص پایان یافت باز هم درد و رنج شروع خواهد شد. دولت بایدن که هیچ تمایلی به جنگ مستقیم و پر هزینه با ایران ندارد تلاش دارد با حتماق دولت ترامپ ( تحریم های شدید) راه دولت اوباما را در پیش گرفته و امیدوار است این توافق زمینه تغییر ماهیت رژیم را در فراهم کند به همین دلیل اگر ایران برنامه های هسته ای را متوقف کند و فعالیت های موشکی و هسته ایش را محدود کند آمریکا با ایران توافق خواهد کرد هر چند تضمینی نیست که در آینده آمریکا از این توافق خارج نشود و یا اینکه رژیم ایران پس از حل مشکلات اقتصادی توافق را نقض نکند، با در نظر گرفتن شرایط جهانی آمریکا در کل منافع یک توافق با ایران بیشتر از ضرر آن است.

## فواید و ضررهای مذاکره و توافق برای ایران:

بر خلاف آمریکا از نظر رژیم ایران مذاکره ضرر دارد چون رژیم ایدئولوژیک ایران همچون همه رژیم های افراط گرا برای ترساندن و کنترل جامعه به دشمن و دشمن تراشی احتیاج دارد و دهها سال است شعار مرگ بر شیطان

است اما این خطر فعلا منطقه ای است و ایران حتی در صورت هسته ای شدن و دست یابی به موشک قاره پیما به اندازه روسیه و چین که قدرت های بزرگی هستند منافع آمریکا را به خطر نمی اندازد چون ایران کشوری عقب مانده با اقتصادی کوچک است. مذاکره برای آمریکا ضرری ندارد اما توافق با رژیم ایدئولوژیک ایران ضررهایی دارد، ضرر آن این است که رژیم از فرصت توافق برای بهبودی اوضاع اقتصادی و حل مشکلاتش استفاده خواهد

به وجود بیاید. هم اکنون ایران با تلاش برای تسلط بر خاورمیانه امنیت و منافع اقتصادی و جایگاه آمریکا در منطقه خاورمیانه را به خطر انداخته است. هر چند ایدئولوژی رژیم ایران خطری برای آمریکا و دیگر کشورها است اما به دلایلی که در این مقاله امکان بحث و بررسی کامل آن ها وجود ندارد آمریکا فعلا قصد تغییر رژیم ایران را ندارد و تنها قصد کنترل این رژیم را دارد و هر چند که در دوران دولت ترامپ شرط های زیادی برای ایران گذاشته شد و

به اهداف شان از بدترین شیوه استفاده می کنند و همین باعث نگرانی جامعه جهانی شده است. آمریکا و اروپا هم هر چند در بسیاری مسائل همپیمان و هم نظر هستند اما با هم رقیب هم هستند اما چون از نظر فرهنگی و سیستم حکومتی بسیار به هم شبیه و نزدیک هستند نگرانی زیادی نسبت به هم ندارند اما همه کشورها نسبت به رژیم ها و گروه های ایدئولوژیک افراط گرایی مثل رژیم ایران و طالبان و داعش احساس نا امنی می

برای کسب منافع بیشتر هستند و دلیل جنگ ها و تنش های جهانی هم همین مسئله است و در چند دهه آینده با تغییر تدریجی موازنه قدرت در سطح جهانی شاهد افزایش جنگ ها و تنش هم خواهیم بود، مشکلات ایران و آمریکا هم ریشه در همین رقابت ها دارد اما شیوه رقابت رژیم ایران زمینه جنگ و رفتار خصمانه را به وجود آورده است و مشکلات را بسیار بیشتر و بزرگتر کرده است، اینکه رژیم ایدئولوژیک ایران یا کشور دیگری ساختار

موضوع را به طور کامل تشریح کرده ایم که در ساختار سیاسی جهان روابط کشورها بر اساس منافع شان است و متاسفانه شاهد هستیم که بسیاری از کشورها حتی کشورهای غربی برای حفظ منافع و یا کسب منفعت و امتیاز بیشتری در روابط بین المللی مسائل حقوق بشری را نقض و یا نادیده گرفته اند. در ساختار ناعادلانه جهان عدالت و حقوق بشر و دموکراسی جایگاهی ندارند و کشورها بر اساس منافع شان عمل می کنند و سازمان ملل و سازمان

**ایران هم همچون آمریکا حق داشته و دارد برای افزایش قدرت و نفوذش در سطح منطقه و جهان تلاش کند اما رژیم ایران به جای اینکه از تجربه موفق ژاپن و کره جنوبی و ... استفاده کند عملا از همه منابع و امکانات ایران در راه اشاعه ایدئولوژی نفرت انگیزی استفاده می کند که همه جهان را شر و افکار و عقاید آخوندهای فاسد حاکم در تهران را خوب و خیر مطلق می داند و برای رسیدن به اهداف شان از بدترین شیوه ها استفاده می کنند و همین باعث نگرانی جامعه جهانی شده است.**

**بر خلاف آمریکا، از نظر رژیم ایران مذاکره ضرر دارد چون رژیم ایدئولوژیک ایران همچون همه رژیم های افراط گرا برای ترساندن و کنترل جامعه به دشمن و دشمن تراشی احتیاج دارد و دهها سال است شعار مرگ بر شیطان بزرگ (آمریکا) و ... سر می دهند پس مذاکره با آمریکا برای رژیم ایران ضرر مند است و باعث شک و دو دلی میان افراطی ترین نیروهای رژیم می شود و در سطح منطقه هم نیروهای افراط گرای دشمن آمریکا و همپیمان ایران از رژیم دلسرد خواهند شد و این در بلند مدت برای رژیم ایران سم است و شاید دلیل اینکه خامنه ای مذاکره با آمریکا را سم مهلک می داند همین مسئله باشد!**

# گذار از ترس به خشم؛ فروپاشی استبداد



## شورش ابراهیمی

خودکامگی درست همان موقع که راهی جز سرکوب و خفقان در برابر مردم نمی بیند در مسیر سقوط و نابودی گام برمیدارد و در نهایت فنا می شود.

رژیم ایران که اکنون چهار دهه حاکمیت استبدادی خود را پشت سر گذاشته و در بیانیه‌ای که دو سال قبل تحت عنوان «گام دوم انقلاب» از سوی خامنه‌ای صادر شد، بدون توجه به بحرانهایی که طی این چهار دهه برای ایران و حتی منطقه ایجاد نموده، هنوز بر تحقق آرمانهای خود که از همه لحاظ با شکست روبرو شده، اصرار دارد. این در حالیست که خشم مردم نسبت به این نظام هر روز بیشتر فوران میکند و علیرغم تشدید فشار نهادهای سرکوبگر، مردم با جسارت بیشتر خواهان حقوق پایمال شده‌ی خود هستند و اخیراً «ازگفتن مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر خامنه‌ای ابایی ندارند. رژیم در تمام این سالها حق حاکمیت مردم و حقوق ذاتی انسانها را نه تنها پایمال کرده بلکه به این خودکامگی تقدسی مذهبی بخشیده و این حق را به

خود روا میبیند که به‌نمایندگی از جانب خدا در تمام امورات دنیوی و اخروی انسانها دخالت و تعیین تکلیف کند.

ترس از استبداد هم در استبداد سلطنتی رژیم سابق و هم در استبداد مذهبی کنونی عامل مهمی در تداوم و استمرار آن بوده است. ترس و وحشت باعث فشار بیشتر و ستم مضاعف بر مردم بوده و تا زمانی که این ترس تبدیل به خشم و انزجاری انقلابی نشود استبداد استوار خواهد ماند. ماهیت استبداد به دلیل نامشروع بودن، اصلاح پذیر نیست و این استعداد را در خود نمیبیند که رفتار و مبانی فکری خود را بازبینی کند. به همین دلیل راه حل تمام مشکلات و بحرانها را در خفقان و سرکوب میبیند و هیچ ایده و مرامی غیر از چارچوب فکری خود را برنمیتابد پس تنها راه رهایی از این بن بست، مبارزه‌ای فراگیر و منسجم که برآیند آن یک نظام دموکراتیک و مردمی باشد، است. هفته‌های اخیر شاهد موجی از اعتراضات مردمی در برخی

شهرها در ایران بودیم که ابتدا در خوزستان و در اعتراض به کمبود آب آشامیدنی جرقه خورد و خیلی زود شعارها پایه‌های لرزان استبداد را نشانه گرفت و در فاصله‌ی کمتر از یک هفته به خون کشیده شد. جوانان به ستوه آمده عرب به نیکی درک نموده‌اند که تا استبداد هست فقر و ستم خواهد بود و چاره را تنها در سرنگونی این نظام دیکتاتوری می بینند. ملت عرب به مانند دیگر ملیتهای ایران قربانی سیاستهای شونیستی و ضد خلقی رژیمهای حاکم بر ایران بوده‌اند و به خواستهای ملیشان بی اعتنایی شده و هر حرکت و فعالیتی از سوی مبارزانشان، مهر امتیعی خورده و به شدت سرکوب شده است. بنابراین تنها راه تحقق اهدافشان را غلبه بر ترسی میبینند که این رژیم سالهاست برای القای آن به مردم هزینه کرده و امروز خشم فرو خورده جوانان

عرب در حالی فوران کرده که نظام از هر لحاظ دچار بحران شده و هر روز بر عمیق تر شدن این بحرانها افزوده میشود و همین امر باعث شده تا دیگر مناطق ایران از جمله تهران، اصفهان، قم، تبریز و... خیلی زود در حمایت از مردم مظلوم عرب به خیابانها بیایند و شعارهای ساختار شکن سر بدهند و بدون ترس از عواقبی که ممکن است برایشان هزینه نیز داشته باشد، نظام حاکم را با دیکتاتورش در کلیت خود محکوم به فنا بدانند و این یک گام مهم در فرایند سرنگونی رژیم به حساب میآید.

حرکتهای مبارزاتی مردم در یک دهه‌ی اخیر، چه از نظر سازماندهی و آگاهی سازی مردم از درون و چه در رابطه با اعتراضات خیابانی، روند رو به رشد قابل توجهی هم از لحاظ فراگیربودن در نقاط مختلف و هم از نظر سطح مطالبات معترضین به خود دیده و شاهد آنیم که علیرغم فشارهای زیاد و هزینه‌های جانی فراوان، کم کم ترس جای خود را به خشم داده و هر روز این خشم مردمی بیشتر و بیشتر

نیز میشود و این همان مرحله‌ایست که بایستی روزی دیکتاتورها با آن روبرو شوند. مبارزات ملیتهای ایران برای احقاق حقوق ملی و انسانیست و جنبش مردم عرب و دیگر ملیتهای ایران نیز بعنوان ملتی تحت ستم در ایران سوی مبارزه برای احقاق حقوق پایمال شده توسط رژیم که بر همه مردم ایران روا داشته، یک جنبش هویت طلبانه است که سالهاست هویت آنها در ایران انکار شده است. تحریم انتصابات اخیر ریاست جمهوری و موفقیت آمیز بودن آن تحریم و بحران بی آبی، زمینساز خیزشی در خوزستان شد و حمایت چشمگیر از این خیزش در نقاط دیگر ایران، نشان از اراده‌ای همگانی برای در هم پیچیدن طومار این نظام نگریس دارد. البته نباید فراموش کرد که تنها با سرنگونی این رژیم مسئله‌ی ملیتها و مردم ایران حل نمیشود مگر اینکه از هم اکنون جایگزینی متناسب با بافت اجتماعی و سیاسی و تاریخی برای آینده‌ی جامعه‌ی ایران که به حقوق تمام ملیتها احترام بگذارد ترسیم شود و نیروهای مبارز بر سر آن به توافق برسند. جدا نکردن حساب دولت از حکومت یکی دیگر از دستاوردهای مبارزاتی مردم است که در این اعتراضات به روشنی مشاهده میشود که نویدبخش مرحله‌ی جدیدی از مبارزه است که همزمان است با روی کار آمدن دولت رئیسی که از هم اکنون با چالشهای بزرگی از جمله خشم مردم از حکومت و دولت روبروست. حکومت خود میدانند که نمیتوانند جوابگوی مطالبات مردم باشد به همین دلیل افرادی نظیر رئیسی، و سپاهیان که ذوب شده در ولایتند، در راس امور مملکت قرار داده تا به زعم خود سرکوب را در کشور تشدید کنند و با ایجاد رعب و وحشت جلوی این اعتراضات را بگیرند. اکنون چهار ستون پوسیده‌ی قدرت در دست خامنه‌ایست که مشخص است در تدارک نبردی تعیین کننده و

رژیم با کشورهای جهان مذاکره و توافق کند و زمینه پیشرفت بدون جنگ و بحران را برای ایران همچون کره جنوبی و ایتالیا و ... فراهم کند. هر چند خامنه‌ای از توافق با آمریکا نگران است و هیچ تضمینی نیست آمریکا به توافق پایبند باشد اما به احتمال زیاد و از روی نا چاری سعی خواهد کرد با غرب توافق کند و اگر موفق به توافق شوند تغییر شرایط سیاسی در ایران مشکل تر خواهد شد و رژیم برای مدتی طولانی تری این مسیر اشتباه را ادامه خواهد داد و منابع و امکانات ایران را صرف مسائلی خواهد کرد که نه برای دنیا و نه آخرت مردم سودی ندارد. تا دیرتر نشده باید همه متحد شویم و متحدانه تلاش کنیم ساختار سیاسی و قانون اساسی ایران را تغییر دهیم و اتحاد امکان پذیر نیست مگر با احترام به حقوق همه اقلیت های ملی و قومی و مذهبی در ایران.

منطقه را کاهش دهد. در کل با توجه به شرایط رژیم یک توافق با آمریکا منفعتش بیشتر از ضررش است اما چیزی که باعث نگرانی شدید خامنه‌ای شده است پایبندی آمریکا به توافقات است چون هیچ تضمینی نیست که دولت بعدی آمریکا یا حتی خود دولت بایدن پس از مدتی همچون ترامپ از توافق خارج نشوند و این هم از اشتباهات این رژیم است که بدون بصیرت و آگاهی و دور اندیشی کشور را در مسیر تقابل و دشمنی با قدرت های جهانی قرار دادند. متأسفانه رژیم ایران کشور را وارد مسیری کرده که به جزء بدبختی و رنج چیزی نصیب مردم ایران و منطقه نشده و این رژیم فاسد که پایگاه مردمی ندارد قادر نیست مذاکره موثقی با غرب داشته باشد و گزینه های انتخابی رژیم انتخاب میان بد و بدتر است. اگر بخواهیم همه مطالب گفته شده را خلاصه کنیم باید بگوییم

بیشتر مراکز سیاسی و فرماندهی و اقتصادی ایران مورد حمله قرار خواهد گرفت و مستقیم یا غیر مستقیم به سرنگونی رژیم ختم خواهد شد پس برای جلوگیری از جنگ تمام عیار و حفظ رژیم به توافق احتیاج دارند. اما توافق با غرب به ویژه آمریکا ضرر هایی هم برای رژیم ایران دارد، همانگونه که گفته شد مذاکره با آمریکا که آن را دشمن بزرگ می نامند از نظر ایدئولوژیکی ضرر دارد و توافق با آمریکا این ضرر و خطر را هم بیشتر می کند و از چند جهت به نفع طرفداران رابطه با آمریکا است و در بلند مدت چه در داخل و چه خارج کشور تاثیرات منفی زیادی برای رژیم ایران دارد و همچنین توافق با غرب حتی اگر به مسائل هسته ای و موشکی محدود شود بر سیاست های منطقه ای ایران تاثیر منفی خواهد گذاشت و رژیم ایران مجبور است تلاش برای افزایش نفوذ در

برای حل مشکلات اقتصادیش به توافق با آمریکا احتیاج دارد، هر چند به دلیل سیستم فاسد و برنامه های اقتصادی اشتباه رژیم مشکلات اقتصادی ایران حتی در صورت توافق با آمریکا هم حل نخواهد شد و ایران روز به روز از رقبای جهانی عقب تر خواهد افتاد اما توافق با آمریکا به رژیم این فرصت را می دهد که نیازهای اولیه مردم را تا حدودی تامین کند و پول کافی برای کمک به گروه های همپیمانش در منطقه را داشته باشد. همچنین توافق با آمریکا و کشورهای اروپایی خطر جنگ تمام عیار را کاهش خواهد داد، به دلایلی رژیم ایران از یک جنگ محدود استقبال می کند اما هیچ تضمینی نیست که یک درگیری محدود به جنگی تمام عیار ختم نشود و یا بر سر برنامه هسته ای به ایران حمله نشود و رهبران رژیم به خوبی آگاه هستند که در یک جنگ تمام عیار

توافق هم منافع و هم ضرر هایی دارد، همانگونه که گفته شد رژیم ایران در بدترین شرایط اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و محیط زیستی چند دهه گذشته قرار دارد و حتی شرایط اکنون ایران به مراتب از زمان جنگ با عراق هم بدتر است و ادامه این وضعیت برای رژیم ایران امکان پذیر نیست، مردمان ایران گرسنه و بی کار و بی خانمان هستند و روز به روز اعتراضات افزایش میابد و شعارهای مردم هم تند تر می شود و در سطح منطقه هم جنگ های نیابتی و ادامه حضور ایران در چند کشور به پول زیاد احتیاج دارد که هم جیب های رژیم ایران خالی شده و هم به دلیل تحریم ها امکان انتقال پول و دیگر کمک ها به رژیم ها و گروه های افراطی بسیار سخت شده است، رژیم ایران

## ادامه صفحه ۴

# آنچه در بازداشتگاه‌ها و زندان‌های ایران بر سر زندانیان سیاسی می‌رود...



می‌گفتند باید روی آن بنشینم، با کابل برق، چوب، باطوم برقی من را مورد ضرب و جرح قرار می‌دادند. تا جای که هر دو مچ دست‌هایم دچار در رفتگی شد.»

این تجاوزها تنها تهدید نمی‌باشد و به مراتب تکرار می‌شوند، هدف حصول نتیجه و بازگرن زبان فرد دستگیر شده و متهم جهت افشاکاری و اقرار است. محمدرضایی در ادامه سخنانش در رابطه با تعرض جنسی به وی می‌گوید: «با بطری شیشه طی ۴۵ روز بازداشت سه بار به من تجاوز شد.»

وی جهت اثبات مدعیایش حتی حاضر به انجام آزمایش پزشکی نیز می‌باشد و می‌گوید: «می‌توانم با انجام آزمایش، گفته خود را ثابت کنم.»

محمدرضایی تنهای زندانی سیاسی نیست که به وجود این نوع شکنجه در زندانهای ایران علیه زندانیان سیاسی اشاره می‌نماید. زندانی سیاسی اعدم شده کورد، زانیار ولقمان مرادی، نیز بدان اشاره کرده و می‌گوید: «زمانی که متوجه شدند ما اتهام را نمی‌پذیریم

و ارتباطی با قتل فرزند امام‌جمعه مریوان نداریم، (مقتولان مخالف فکری ما نبودند تا بخواهیم چنین کاری را نسبت به آن‌ها در پیش بگیریم)، شیوهی شکنجه کردن را تغییر دادند. به ما گفتند به شما

تجاوز جنسی خواهیم کرد. این بار بجای آوردن صندلی و نشستن روی آن از بطری نوشابه استفاده کردند؛ و به اجبار ما را روی بطری نوشابه‌ها نشاندهند. می‌گفتند این آخرین شکنجه است. اگر بازهم حرف‌های ما را قبول نکرده و جرم را نپذیرید، نوبت تجاوز جنسی خواهد رسید. از تمام روش‌ها برای شکنجه ما استفاده کردند. به

من (زانیار) می‌گفتند زنده‌بودن یا مردن تو برای ما مهم نیست، چون تو پسر اقبال (فعال حقوق بشر و عضو پیشین حزب کومله) هستی و نمی‌گذاریم و بدان هرگز از زندان بیرون نخواهی رفت.»

و وجدان بشریت در پس کوچه های نیولیبالیسم و در پستوی معاملات اقتصادی و سیاسی، آرام خفته است.

را باز می‌کردند ولی آب را به من نمی‌دادند. بعد از ۲۴ ساعت که دست‌هایم را باز کردند من به زمین افتادم و از هوش رفتم. هنگامی که به هوش آمدم تقریباً ۲۰ نفر دوروبر من جمع شده بودند و منتظر به هوش آمدنم بودند.

چند نفر از ماموران اطلاعاتی با لگد به پاهایم می‌زدند و چندین دفعه به صورتم آب پاشیدند، به محض به هوش آمدن تقاضای آب کردم، مقدار خیلی کمی به من آب دادند چون می‌ترسیدند که بمیرم و نتوانند به اطلاعات مورد نظرشان برسند. دوباره دست‌هایم را بستند و مرا آویزان کردند. بعد از مدت کوتاهی دوباره دست‌هایم را باز و شروع به بازجویی کردند اما من باز هم همان جوابهای قبل را بازگو می‌کردم و هیچ اطلاعاتی

را به آنان ندادم. من را به سلول افرادی بردند، صبح روز بعد دوباره برگشتند و گفتند این دفعه سرت را زیر آب می‌کنیم و شکنجه می‌دهیم. پاهایشان را روی آن نقاطی از دست‌هایم که از فشار آویزان شدن باد کرده بود فشار می‌دادند.»

فخرالدین فرجی، سلول انفرادی را چنین توصیف می‌نماید: «سولوی انفرادی به طول تقریباً ۲ متر، دو پتو یکی برای زیر و پتوی دیگر برای رو (هنگام خواب) دنیای بی پنجره ویی آسمان و بدون ماه و خورشید و تاریک، قفسی واقعی، در قسمت انتهایی درب سلول دری وجود داشت که غذایی کم را، روزانه برای آنکه تحمل شکنجه دیدن و نمردن از گرسنگی را داشته باشی به تو می‌دادند، همراه با این مکان هر روز برای بازجویی و شکنجه چشم‌بندی و دست بندی را از سوراخ در به تو می‌دادند.»

بخش اعم شکنجه های، همچنانکه در مقدمه نیز از آن بحث شد، شکنجه های جنسی است. تعرض سکسی به زندانیان سیاسی، به عنوان ضدبشری ترین نوع شکنجه در جهان، در زندانهای ایران متداول است. قانع محمد رضایی، زندانی سابق، در اینباره چنین می‌گوید: «یک بطری شیشه نوشابه را آورده بودند و

فرجی در اینباره می‌گوید: «وقتی از سلول بیرون آمدم فهمیدم که ماشینی که در داخل آن بازداشت شده بودیم و جای گلوله‌ها بر روی ماشین پیدا بود. ماشین را به خانواده من نشان داده و گفته بودند پسران کشته شده است و حتی خانواده‌ام اقدام به برگزاری مجلس ختم نموده بودند، بعضی اوقات هم بلندگوی را که در قسمت بالای سلول نصب شده بود روشن کرده و نوحه‌خوانی مراسم عاشورا و تاسوعا را ساعت‌ها برایم برگزار می‌کردند و یا یک هفته با سکوت مطلق سپری می‌شد که هم سکوت دردآور، هم صداهای عذاب دهنده بودند. و صدای که از همه عذاب دهنده‌تر و زجرآورتر بود صدای آه و ناله شکنجه دیگر بازداشتی‌ها بود.»

اما روایت زندانی سابق سیاسی کورد هادی امینی، حتی از این نیز منجرتر می‌باشد که جهت درک بهتر خواننده از نوع شکنجه ها در زندانها و بازداشتگاههای ایران، آنرا به یکباره نقل می‌نمائیم:

هنگامی که در زندان اطلاعات ایران در سردشت به خواسته‌هایشان نرسیدند و هیچ اطلاعاتی به آنان ندادند من را به زیرزمین زندان منتقل کردند. در آنجا یک توالت وجود داشت. من را به لوله آب آویزان کردند به گونه‌ای که پاهایم از سطح زمین توالت جدا شده بود و بعد شکنجه‌ام را شروع کردند.

یک ساعت بعد دو نفر در حالی که هر دو دستم بسته بود پاهایم را می‌کشیدند، آنقدر زجرآور بود که هر لحظه احساس می‌کردم که از وسط نصف می‌شوم و جسم از همدیگر جدا می‌شود. تابستان بود و هوا خیلی گرم بود، آنقدر عرق کرده بودم که هیچ آبی در بدنم نمانده بود. همانگونه آویزان من را رها می‌کردند و هر نیم ساعت یک بار برمی‌گشتند و دوباره بازجویی را شروع می‌کردند با باتون مرا می‌زدند و شکنجه می‌دادند. به مدت ۲۴ ساعت من همانطور آویزان بودم. تشنگی بهم فشار آورده بود اما به من آب نمی‌دادند.

برای شکنجه روحی - هنگامی که تقاضای آب می‌کردم شیر آب

پاهایت را کابل می‌زدند. در این میان هم با تو بازی می‌کردند هم بعضی وقتها سه کابل را می‌آوردند. یکی خیلی کلفت (کابل سیاه) و دیگری متوسط و آخرین کابل هم باریک تر از کابل‌های دیگر بود، از من سؤال می‌پرسیدند دلت می‌خواهد با کدام کابل ضربه بخوری؟ او می‌گفت من دلم می‌خواهد با کابل سیاه به پاهای تو بکوبم، حالا خودت انتخاب کن با کدام یک تو را بزنم؟ و باید تو انتخاب می‌کردی با کدام کابل تو را بزنند، اگر هم انتخاب نمی‌کردی تو را می‌زدند تا کابل خود را انتخاب می‌کردی تا به وسیله آن بهت ضربه بزنند، کابل‌ها را روی تخت جلوی من می‌گذاشتند و کمی چشم‌پند را

بالا می‌دادند تا کابل‌ها را ببینم، من هم دستم را روی یکی از کابل‌ها می‌گذاشتم. تا به‌وسیله آن زیر پای من ضربه بزنند؛ و بعضی از وقتها یک نفر یا سه نفری و یا کمتر و بیشتر بودند؛ که هنگام این بازی می‌خندیدند و روان تو را تخریب می‌کردند.»

شکنجه های روانی، پس از شکنجه های جسمی و جهت تخریب شخصیت و هستی شخص دستگیر و بازداشت شده شروع می‌شوند. فخرالدین فرجی در اینباره می‌گوید: «گاهی هم زمان بازجویی برایم جای می‌آوردند. من هم شکنجه و آوردن جای را درک نمی‌کردم و به آن جای مشکوک بودم که احتمالاً با مواد روان گردان آمیخته شده باشد و یا خوردن آن از تو فیلم برداری کرده و اقرار به اتهامات آنان کنی، پس از نوشیدن جای

پرهیز می‌کردم و اسرار زیادی می‌کردند تا چای را بنوشم وقتی دید من راضی به این کار نمی‌شوم چای داغ را روی سر من ریخت. وقتی به سلول انفرادی بازگردانده شدم، دستی به سرخود کشیده که تمامی پوست سرم سوخته و مالیدن دست پوست سرم را میان دستم حس می‌کردم. بعضی وقتها که توان حرکت نداشته با برانکارکارت من را به اتاق بازجویی برده و هنگام بازجویی روی تخت می‌خوابانند و به زیر پاهایم ضربه می‌زدند. چون من توان حرکت نداشتم برگه‌های سؤال جواب بازجویی را خودشان می‌نوشتند و من باید بدون مطالعه آن را با اثر انگشت یا امضا تایید می‌کردم.»

وی در ادامه می‌گوید: «یک شکنجه روحی هم بود که اظهار می‌کردند مادر شما فوت کرده برای اینکه تو را به عزاداری‌اش ببریم باید به کشتن فلانی اقرار کنی تا تو را به مراسم تشییع مادرت ببریم و یا می‌گفتند خانواده‌ات جلوی در اداره هستند. اگر به کارهایت اقرار کنی بهت اجازه ملاقات داده می‌شود.»

شکنجه ها تنها محدود به شخص بازداشت شده و متهم به فعالیت سیاسی نمی‌شود و خانواده و نزدیکان وی را نیز دربرمی‌گیرد.

می‌کردند که عضویتیم در حزب پژاک را اعتراف کنم و خواستار همکاری من و اعتراف به اسامی اشخاصی که گمان می‌کردند من با آنان در ارتباط بوده‌ام، بودند. اما من مقاومت کرده و حاضر به همکاری نمی‌شدم.»

زندانی سابق سیاسی کورد، والی درودی نیز به وجود شکنجه های متعدد روانی در زندانهای ایران اشاره دارد و می‌گوید: «هرگز و حتی برای یک ثانیه نیز، لامپ بازداشتگاه خاموش نمی‌شد، محل خواب و استراحت و حتی دستشویی و حمام با دوربین‌های نظارتی مورد کنترل شدید قرار می‌گیرد.»

فحش، ناسزاگویی و الفاظ رکیک، برحسب سخنان والی درودی، بخش دانی شکنجه ها و رفتار مأموران بازداشتگاهها می‌باشد: «به بهانه رعایت نکردن نظم و مقررات موجود و بی نظمی و اعتراض به شرایط بد زندان مورد شدیدترین الفاظ رکیک و فیزیکی قرار می‌گرفتم، از جمله انتقاد به سلول انفرادی، محروم شدن از حق هواخوری و ملاقات با خانواده و پاشیدن اسپریهای تند و سوزاننده پوستی بر سر و دست و صورت منجمله گاز اشک آور.»

محمد رضایی نیز به وجود اقسام شکنجه های جسمی که حتی می‌تواند منجر به مرگ عمدی فرد بازداشت شده به دلیل اتهام سیاسی اشاره می‌نماید و می‌گوید: «برای شکنجه من انواع و اقسام شکنجه‌ها را امتحان کردند. ضرباتی که به سرم وارد شد قدرت بیناییم را ضعیف کرده و بینی‌ام شکسته شد. وقتی با مشت به من

حمله می‌بردند زمانی که بر روی زمین می‌افتم با لگد به صورتم ضرباتی وارد می‌کردند که باعث شکستن بینی من شد. اکنون هم آثار آن بر روی من مشهود است.»

فخرالدین فرجی، زندانی سیاسی سابق کورد، دوباره نوع شکنجه هائی که در زمان بازداشت در مورد وی اجرا شده است می‌گوید: «سه بازجوی که شوکر برقی داشتند (بعضی اوقات اگر دیرتر از وقت مقرر چشم‌پند و دست بند را می‌بستی با شوکر به تو ضربه می‌زدند) وارد سلول انفرادی شده و من را به اتاق شکنجه و بازجویی می‌بردند. به خاطر شکستگی دو مهره ستون فقرات و دنده قفسه سینه به آهستگی قادر به حرکت بودم. برای سریع‌تر شدنم با شوکر

من رامی‌زدند و نسبتاً بی‌حس شده و من را تا سلول بازجویی روی سطح راهرو می‌کشیدند. وارد اتاق بازجویی می‌شدی بازجویی شروع می‌شد و اگر به اهداف خود که اقرار متهم به خواسته‌های آنان بود نمی‌رسیدند، تو را روی تخت خوابی که پتوی بر روی آن بود می‌خوابانند و پاهایت را بسته و دو انگشت بزرگ پاها را با کلیپس «دستبند پلاستیکی» محکم به هم می‌بستند؛ و حالا با شلاق (کابل) ساعت‌ها زیر

## آکام فرهنگزاده

زندانهای ایران، قتلگاه هایی که در نبود رسانه ها و عدم اجازه سازمانهای جهانی حقوق بشری، در پشت درهای بسته و بدور از هرگونه اصول انسانی، به شکنجه های جسمی و روانی زندانیان سیاسی و حتی تعرض جنسی و جسمی آنها اقدام می‌شود. روایت‌های گوناگون تاکنون از این زندانیان و از زبان کسانی که آزاد شده اند، موجود است.

زندانی والی درودی، زندانی سابق سیاسی کورد با سابقه ۲۸ سال حبس در زندانهای ایران، آنرا چنین توصیف می‌نماید: «زندانی یک چهاردیواری بسیار تنگ و پر از ناعدالتی و نابرابری با ننگ‌بانی عاری از رحم، عطف و انسانیت بود. امکانات بسیار بد بهداشتی و غذایی، بیشتر افرادی که سالیان دراز در آن مجبور به تحمل حبس شده‌اند، دچار سوتغذیه و امراض و بیماریهای پوستی و روانی می‌شوند و می‌شوند.»

نوشتار حاضر نیز درصدد است تا به بازمانانی و نشر گوشه ای از جنایتهای ضدبشری جمهوری اسلامی ایران و سیستم امنیتی و حقوقی آن، از زبان زندانیان سیاسی کورد بپردازد. آنچه در این نوشتار مطالعه می‌نمائید، تنها گوشه ای کوچک از این تراژدی نانتهای می‌پردازد که شاید انتهای آن تنها با انتهای حکومت مفروض باشد.

شکنجه ها و تعرضهای جنسی و جسمی به زندانیان سیاسی و حقوق آنها از همان ابتدای بازداشت شروع می‌شود. قانع محمد رضایی، زندانی سابق در اینباره می‌گوید: «در زمان بازداشت و بازجویی‌ها چشم‌انم را با چشم‌پند بسته بودند. هنگام بازجویی فقط این را متوجه می‌شدم که دو بازجو در پشت سرم قرار گرفته و سؤال‌هایشان را مطرح می‌کردند.»

وی به شکنجه های روانی در حین بازداشت خویش اشاره می‌نماید و می‌گوید: «با فحش و ناسزا گفتن بازجویی شروع می‌شد.»

زندانی سیاسی اعدم شده کورد، زانیار و لقمان مرادی، در رابطه با رفتار مأموران امنیتی جمهوری اسلامی ایران در حین بازداشتشان می‌گویند: «ابتدا ما را روی یک‌تخت خوابانده و تمامی اعضای بدن از سر گرفته تا پاهایمان را با وسیله‌ی سیم کابل، سیاه و کبود کردند. به مدت ۹ ماه قدرت و توانایی حرکت و راه رفتن را نداشتیم.»

زندانی سیاسی سابق، هادی امینی، رفتار مأموران در حین بازداشتش را چنین توصیف می‌نماید: «با انتقال من به اداره اطلاعات ایران در سردشت شکنجه جسمی من شروع شد. آنان تلاش

# روحانیون در کمین قدرت

سیاسی روحانیون در بهره گرفتن از ابزار مشروعیت بخشی دینی به نهاد سلطنت و قدرت است. در این دوران روحانیت شیعه علاوه بر موضوع اقتدار فقهی از یک نهاد دینی - مالی و آموزشی هم برخوردار گردیده است. به نوعی خاکریز دیگری را برای در آغوش گرفتن نهاد سلطنت فتح کرده است. روحانیون به دلیل مفسر بودن دین و قرآن با پشتگرمی به استقلال مالی به یک قدرت موازی و سنت سهم خواهی در برابر قدرت سیاسی از صفویه تا پهلوی تبدیل می شوند. این سنت با بهره گرفتن فقه شیعه و روایت های احساسی و عوام گرایانه از تاریخ اسلام و ائمه دینی با تفاسیر مختلف و نیز با بهره گرفتن از تقيه و سنت دینی در تخدیر جامعه و توده ها به حضور خود تا شکل گیری جمهوری اسلامی در ایران ادامه می دهند. این نگاه به سیاست و مشروعیت گیری حکومت ها از نهاد دین ، بعدها در قالب تئوری های اسلام سیاسی به شیوه دیگر که تا اندازه ای از تئوری های چپ، مفاهیم را وام می گیرد ، گفتمان اسلام سیاسی با یک روحیه رادیکال و انقلابی ظاهر می شود. این سنت که همان سهم خواهی و یا نظارت بر قدرت و نیز مشروعیت بخشی از ناحیه مذهب شیعه بر ساخت سیاسی است، همواره با نهاد سلطنت در حال معامله کردن بوده است. با تطبیق دادن خود به موضوعات تاریخی و بهره گرفتن از ایمان و اخلاق دینی و فرهنگی توده های مذهبی جامعه وارد حوزه عمومی می گردد. بدین شکل که روحانیون و اسلام گرایان با گرایش های مذهبی که میل به رهبری دینی در سیاست داشتند از ایمان ، اخلاق و فرهنگ دینی اسلام سیاسی تلاش می کردند. در این مسیر برخی از روشنفکران غیر دینی با گرایش های چپ در کنار اسلام گرایان قرا می گیرند. خمینی و پیروانش که طیف گسترده ای از اسلام گرایان سنتی ، حوزه ای ، بازاری، تحصیل کرده و رادیکال را در بر می گرفتند از لحاظ گفتمانی توسط روشنفکران دینی و غیر دینی حمایت و تامین می شدند. خمینی پس از سپری شدن دوران مخالفت و تبعید با مدرنیزاسیون پهلوی، در نجف در کتاب ولایت فقیه به نفی حمایت مذهبیون را با خود داشته باشند. مساجد مانند شبکه ها و کانال های ارتباط و پیوند نهاد دین با نیاز های مردم در همه جا عمل می کنند. مدارس و حوزه ها به عنوان مراکز تامین و آموزش روحانیون از سوی نهاد دین و علما مدیریت می شوند. پستوانه مالی و تامین کننده مدارس و مساجد موقوفات و نذورات مردم است که به دست علما هدایت و مدیریت می شود. نهاد دین علاوه بر این منابع از سوی نهاد قدرت به نوعی تامین مالی می گردد. این یک نوع استقلال مالی را در بلند مدت برای علما و نهاد تحت استیلای آنها ایجاد می کند. این آغازی برای موازی سازی در قدرت



حق خود دانسته ، چرا که میراث دار پیامبر و ائمه هستند. شاردن که یک سفرنامه نویس اروپایی بوده است این موضوع را چنین بیان می کند. « در عصر غیبت امام زمان «برخی از علمای روحانی و پیروانشان و متعبدان بر این اعتقادند که در تمام طول مدت غیبت امام، باید مجتهدی معصوم (عادل) امور دینی و اجتماعی و حکومتی مملکت را اداره کند. این مجتهد باید جامع علوم و از هر جهت منزله از هر فساد و گناه باشد» و قدرت پاسخ گویی به پرسش هایی که در امور دینی از او می شود، داشته باشد. ( شاردن، ژان، سیاحت نامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، ۱۳۹ ) . بدین ترتیب روحانیون با در دست گرفتن نهاد دین و زیر مجموعه های آن، زمینه را بیش از هر زمانی برای گسترش آموزش و شکل دادن به دستگاه قضاوت در سایه حکومت صفویان مناسب دانستند . در دوران تضعیف صفویه ، اقتدار عملی و واقع گرایانه علما و روحانیون شیعه در بدنه جامعه و ساختار قدرت ایران نفوذ زیادی پیدا می کند. این نهاد سازی از دین به یک مجموعه از زیر نهادهای تابع دین گسترش پیدا می کنند که کار و وظیفه آنها آموزش، تبلیغ و نفوذ در میان باورمندان دینی است تا از این راه علما بتوانند در موقعیت های لازم حمایت مذهبیون را با خود داشته باشند. مساجد مانند شبکه ها و کانال های ارتباط و پیوند نهاد دین با نیاز های مردم در همه جا عمل می کنند. مدارس و حوزه ها به عنوان مراکز تامین و آموزش روحانیون از سوی نهاد دین و علما مدیریت می شوند. پستوانه مالی و تامین کننده مدارس و مساجد موقوفات و نذورات مردم است که به دست علما هدایت و مدیریت می شود. نهاد دین علاوه بر این منابع از سوی نهاد قدرت به نوعی تامین مالی می گردد. این یک نوع استقلال مالی را در بلند مدت برای علما و نهاد تحت استیلای آنها ایجاد می کند. این آغازی برای موازی سازی در قدرت

به نهاد سلطنت به مثابه واقعیتهای تاریخی- سیاسی، مسائل دشواری را به وجود آورد. ملا احمد اردبیلی به شادعباس درباره فقدان مشروعیت حکومتش تذکر داد و به او اخطار کرد که اگر خواهان ادامه حاکمیت خویش است، باید حرمت و اعتقاد به امام غایب را مراعات نماید و الا توسط علما از او سلب قدرت می گردد. ( حامد الگار، نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، ص ۲۵ )

موضوعات تنویریک در باب قدرت و رابطه با حکومت صفویه در دوران دوم ، ذهن عالمان شیعه را به صورت جدی تر درگیر نمود. این مشغله های ذهنی، فقهی و تنویریک ، بستری بود برای رسیدن به قدرت و ولایت بر مردم در عرصه سیاست و حکومت . در کنار حاکمیت صفویه و بعد از آن تکاپوهای بیشتری از جانب روحانیون شیعه برای کسب قدرت صورت گرفت. هر چند که مشروعیت و اعمال حاکمیت صفویه بر کرده فقه مذهب شیعه بود ، با این حال علما در پی نقش و گرفتن میراث تاریخی خود بودند. در دوران اواخر سلطنت صفویه به دلیل تضعیف نهاد سلطنت ، نقش عمل گرایان روحانیون شیعه در پیوند برقرار کردن سیاست و اعمال قدرت با مبانی فقهی بیشتر نمایان می شود. سفرنامه نویسان و جهان گردان اروپایی که در آن سال ها به ایران و دربار صفویه سفر کرده اند با تیز بینی این وضعیت را بیان می کنند. کمپفر، این وضعیت را چنین بیان می کند. « تلاش روحانیت و علمای شیعی با هدف دخل و تصرف بیشتر در سازوکار سیاست و حکومت، چه از منظر نظری و چه از جنبه عملگرایانه آن، در دوره دوم حکومت صفویه بسیار روشن است.» (کمپفر، انگلبرت، سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاوس جهانداری، تهران، ۱۳۳ )

روحانیون با همان قرائت سنتی از سلطنت و قدرت در میان شیعیان به تفسیر دوران عصر غیبت می پردازند. آنان از این تفسیر در صدد کسب قدرت می باشند که آن را

سوی علمای دینی می باشد با صوفیانی که قدرت تیغ و شمشیر را در دست دارند. به نوعی، علما برای تسری و نفوذ پیدا کردن شیعه در لایه های جامعه تلاش می کنند و نقش خود را بازی می کنند. از سوی دیگر، شاه صوفیان با استفاده از شمشیر، زور ، قدرت سیاسی و نظامی تصوف به شیعه سازی و رسمیت بخشیدن به آن در این سرزمین می پردازد. در مقابل و در مسیر اعمال و تداوم حاکمیت سیاسی خود از علما و فقه سیاسی شیعه مشروعیت و مقبولیت برای خود کسب و طلب می کند. به نوعی می توان گفت : آنان هر کدام در این مسیر مانند لبه های یک شمشیر عمل می کردند. هر چند از نظر مبانی فقه شیعه، حکومت سلطنتی مشروعیت ندارد ، با این حال علمای شیعه در دوران صفویه هیچگاه به صورت مستقیم ، مشروعیت پادشاهان صفوی را زیر سؤال نمی بردند و سعی اغلب آنان پرهیز از درگیری با شاهان صفوی بود. به مخالفت با شاه بر نخواستند، چرا که او را حامی و تثبیت کننده تشیع در ایران می دانستند. در مقابل ، شاه هم علما را نایب امام عصر می دانست. با این حال در دوران صفویه موضوعات مختلفی وارد بحث های روحانیون شیعه گردید. هر چند که بر مبناهای فقه شیعه در باب سلطنت، آنان خود را وارث و چنانچین پیامبر برای قدرت ، امامت و ولایت می دانستند . با وجود احتیاط، همکاری و نزدیکی فقهی و ایدئولوژیک با صفویه، در نهایت خود را بیشتر مستحق سلطنت و به دست گیری قدرت و تشکیل حکومت اسلامی شیعی می دانستند. هر چند در برخی موضوعات با نهاد شبه مذهبی سلطنت صفویان دارای اختلاف و تضاد بودند ، ولی هیچگاه پیروانشان را علیه سلطنت صفویه نشوراندند. این مواجهه دستگاه روحانیت با موضوع قدرت به یکی از چالش های کلامی و فقهی دوران صفویه تبدیل می شود. مباحثی مانند امامت ، حکومت ، مشارکت یا انتقاد

اولیه را داشته است. پایه و اساس اولیه دولت صفویه بر تصوف بود؛ تصوفی که صورت روحانی آن تبدیل به نظام سیاسی - روحانی شد. اما در مرحله پسا تاسیس ، نیاز به یک سری قوانین است تا بتوان جامعه مذهبی را که تغییر اعتقادی در آن با زور و سرکوب ایجاد شده است به پیش برد. اندیشه صوفی - خانقاهی برای این منظور و اداره جامعه از لحاظ حقوقی و قضایی کفایت نمی کرد. لذا شاه اسماعیل صفوی در جستجوی کتابی فقهی بود تا بر مبنای آن بتواند مسائل حکومت و جامعه را اداره کند. ایشان کتاب قواعد علامه حلی را پیدا کرد و آن را به عنوان قانون حل و فصل مسائل حکومتی و دینی بر مبنای فقه شیعه برگزید. با دعوت دولت صفویه از علمای شیعه در جبل عامل، تعداد زیادی از علما و در رأس آنان محقق کرکی، مؤلف کتاب جامع المقاصد، در جهت تقویت روح تشیع و تثبیت و نشر آن به ایران هجرت کردند. این وضعیت که چالش قدرت سیاسی - صوفی با نهاد جامعه و دین است زمینه ای می شود برای تغییر ماهیت تصوف به سوی تشیع . از این مرحله نقش و رل فقه شیعه برای تثبیت و مشروعیت بخش از منظر دینی و فقهی به نظام صفویه شروع می شود. این نظام به عنوان پایگاه و حامی تشیع از سوی علما شناخته می شود و علما هم با تمام توان به همراهی و حمایت از نظام شیعه صفوی بر می خیزند. بدین ترتیب مذهب شیعه به عنوان ایدئولوژی سلسله صفویه در ایران حذف، سرکوب و کشتار سایهویت های مذهبی و دینی را با حمایت و پشتیبانی نظامی و سیاسی شاه به پیش می برد. این یک نوع توافق و همکاری سیاسی و عقیدتی ما بین تصوف و تشیع می باشد، برای اعمال قدرت سیاسی و فقهی. این دو قدرت در حوزه نفوذ و نقش خود را در این تحول مذهبی ، سیاسی و اجتماعی به رسمیت می شناسند. این یک اجماع فقهی شیعه از

## پرویز جباری

### بخش سوم

با پیروزی صفویان اندیشه صوفی - مرید بر نظام سیاسی و قضایی سنی این جغرافیا که بعدها به ایران در دوران پهلوی شناخته شد، وارد مرحله ای می شود که بازتاب سنت نگاه فقهی شیعه به شاه، سلطان و ولایت است. هر چند که مبلغین اولیه اندیشه صفوی و پایه گذاران این سیستم سیاسی و نظامی ریشه خود را از یک نوع تفکر عرفان اسلامی می دانستند و جایگاه و مشروعیت خود را در مقطعی از تاریخ به درجه الهی می رسانند. اما از منظر فقه اسلامی توسط علمای شیعه و سنی به چالش کشیده شده است . در برخی موضع گیری های خفیف و محتاطانه از سوی علمای شیعه، آنان به عنوان غاصب و نامشروع معرفی شده اند. البته این قضیه از سوی علمای شیعه بسیار ملایم و با احتیاط بوده است . چرا که صفویان برای مشارکت در قدرت و حذف دستگاه سیاسی و قضایی سنی ها، پشتگرم به حمایت، پشتیبانی علمای شیعه بودند. شیعیان و علمای مذهبی که به ایران مهاجرت کردند به نوعی خود را مدیون لطف و کرم طمع کارانه صفویان می دانستند. رسمیت دادن آمرانه به مذهب شیعه این فرصت تاریخی و نادر را به شیعیان داد تا به عنوان باورمندان پراکنده و فاقد قدرت سیاسی و نظامی ، در یک جغرافیای مشخص به قدرت برسند. لذا یک نوع پیوند عقیدتی و مصالحه سیاسی - مذهبی بین علمای شیعه و صوفی شاهان صفویه بسته شد. پیمانی که تا سقوط این سلسله از همدیگر ارتزاق می کردند . با یک نوع مصالحه برد- برد به بقای مسالمت آمیز خود ادامه دادند. بعدها همین فقه شیعه، که در طی این پیوند سیاسی و مذهبی شکل گرفته بود در لقاخ خود با عناصر قدرت، شکل جهش یافته آن به فقه سیاسی شیعه تغییر ماهیت داد. در سیر تاریخی، همین فقه سیاسی شیعه در تضاد با اندیشه های اجتماعی و سیاسی مدرن و نوگرا که به نوعی از سوی روشنفکران ، فعالین سیاسی و حکومتی پیگیری می شد در قالب ولایت فقیه ظهور پیدا کرد. با پیروزی هر چه بیشتر صفویه بر جامعه و قدرت سیاسی سنی در آن دوران به دلیل ماهیت سیاسی و اجتماعی جامعه و تنوع نیازمندی های زندگی اجتماعی و همچنین پیچیدگی های مناسبات و تبعات کشتارها و تغییر سیستم قضایی و حقوقی در جامعه، نظام صفویه در عمل به چالش می رسد. به نوعی می توان گفت : دوران گذار از تصوف به تشیع در حال صورت گرفتن است. یعنی اینکه تصوف در این مرحله که مرحله تثبیت می باشد قادر به پاسخگویی نیست، اما در اساس تصوف - مرید در مرحله تاسیس نقش اساسی و

## نمایی از پایمال کردن حقوق بشر در کردستان ایران در طی دو هفته اول مردادماه با استناد به آژانس خبرسانی کردستان، (کردپا)

### اعدام و محکوم کردن شهروندان به اعدام



صبح روز چهارشنبه سیزدهم مردادماه، یک زندانی به نام «ابرهیم نصیری‌خواه» اهل شهرستان سلماس از بند ۴ زندان ارومیه جهت اجرای حکم اعدام به سلول انفرادی منتقل شد.

در همین رابطه نیز، صبح روز دوشنبه یازدهم مردادماه، حکم اعدام سه زندانی به نامهای «سپهر عباس‌نژاد» فرزند بهمن اهل روستای «تولکی» از توابع منطقه ترگور ارومیه، «اسکندر زارع» فرزند ابراهیم اهل روستای «زیندشت» از توابع سلماس و «حمزه رضایی» فرزند رضا اهل روستای «قصریک» از توابع سلماس در زندان مرکزی ارومیه به اجرا درآمد.

صبح روز دوشنبه یازدهم مردادماه، حکم اعدام یک زندانی به نام «ارسلان کریمی» فرزند غلام اهل شهرستان هرسین از توابع استان کرمانشاه در زندان دستگرد اصفهان به اجرا درآمد.

### کشته و مجروح شدن کولبران و کاسبکاران



روز دوشنبه یازدهم مردادماه، یک کولبر به نام «ناصر خورشیدی» اهل بانه بر اثر شلیک مستقیم نظامیان حکومتی در ارتفاعات مرزی این شهرستان زخمی شد.

شامگاه روز چهارشنبه ششم مردادماه، یک کولبر کورد به نام «رسول مولانی» بر اثر شلیک نظامیان حکومتی در مرز «برویشکانی» بانه زخمی شد.

روز دوشنبه چهارم مردادماه، یک کولبر کورد به نام «فریدون صالحی» اهل شهرستان بوکان در پی شلیک نظامیان حکومتی در مرز «هنگه‌ژال» بانه جان باخته و چندین کولبر دیگر نیز زخمی شده‌اند.

### محکوم کردن

### شهروندان به حبس

شعبه اول دادگاه انقلاب ارومیه، یک فعال مذهبی به نام «جعفر اوصافی» ۳۱ ساله فرزند احمد اهل شهرستان بوکان را به هفت سال و شش ماه حبس محکوم کرد.

شعبه اول دادگاه انقلاب اشنویه به ریاست قاضی «رضایی»، یک شهروند کورد به نام «صلاح بهرامیان» اهل روستای «گندویلا» را به دو سال حبس تعزیری محکوم کرد.

### انتقال شهروندان به

### زندان



روز جمعه هشتم مردادماه، یک متهم سیاسی به نام «عبدالعزیز گل‌محمدی» اهل ارومیه بازداشت و به زندان این شهر منتقل شد. باپیر برزه و کیوان نژادرسول، دو زندانی سیاسی اهل شهرستان پیرانشهر به زندان باز منتقل شدند.

### اعتصاب زندانیان

روز شنبه نهم مردادماه، ایرج صوفی محمد، زندانی مذهبی محبوس در زندان ارومیه در اعتراض به عدم موافقت با درخواست انتقال وی به زندان مهاباد دست به اعتصاب غذا زد.

### احضار شهروندان به

### مراکز اطلاعاتی



روز دوشنبه چهارم مردادماه، یک شهروند کورد به نام «خلیل عینی» اهل روستای «سینگان» از توابع اشنویه به اداره اطلاعات این شهرستان احضار و مورد بازجویی قرار گرفت.

### بازداشت شهروندان



روز دوشنبه یازدهم مردادماه، شش شهروند کورد به نامهای «فرهاد معروفی» فرزند حسن اهل روستای «علی آباد»، «رحمان اسدی» فرزند محمود اهل روستای «علی آباد»، «عبید انوری» فرزند رحیم اهل روستای «علی آباد»، «حسن شادخواه» اهل روستای «سینگان»، «ریبوار چارکداری» ۲۲ ساله فرزند محمد اهل اشنویه و «جلال قادرزاده» فرزند عبدالله اهل «نالوس» از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

روز یکشنبه دهم مردادماه، دو شهروند به نامهای «سوران دورباش» و «آکو دورباش» اهل روستای «خانقاه» از توابع مهاباد از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

صبح روز دوشنبه یازدهم مردادماه، یک شهروند کورد به نام «دیار سلیمان‌پور» اهل روستای «خورخوره» از توابع مهاباد از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

در ادامه بازداشت شهروندان در مهاباد، عصر روز یکشنبه دهم مردادماه، یک شهروند کورد به نام «کاوه سلیمان‌پور» اهل روستای «خورخوره» از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

روز یکشنبه دهم مردادماه، دو شهروند دیگر به نامهای «رزگار عینالو» فرزند امیر و «احد سونه» فرزند رحیم اهل روستای «اگرقاش» از توابع بخش مرکزی شهرستان مهاباد از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شدند. روز یکشنبه دهم مردادماه، یک شهروند کورد به نام «هیمن قره‌داغی» فرزند حسین اهل روستای «اگرقاش» از توابع بخش مرکزی شهرستان مهاباد توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. طی روزهای اخیر، سه شهروند به نامهای «ارکان بهرامی»، «خلیل رضایی» و «خالد میرزایی» اهل شهرستان ثلاث باباجانی از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

بامداد روز پنجشنبه هفتم مردادماه، یک شهروند کورد به نام «چیا آقاییگ‌پور» فرزند احمد اهل روستای «رحیم خان» از توابع بوکان از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شد.

روز دوشنبه پنجم مردادماه، یک شهروند کورد به نام «فواد حبیبی» اهل شهرستان دیواندره از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

روز سه‌شنبه پنجم مردادماه، یک شهروند کورد به نام «شمزین محمدی» اهل روستای «آلی کند» از توابع بوکان از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شد.

روز سه‌شنبه پنجم مردادماه، یک شهروند کورد به نام «سلام کورده» فرزند زورار اهل شهرستان اشنویه از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شد. روز دوشنبه چهارم مردادماه، چهار شهروند به نامهای «عرفان نادری، پویا نادری، پرهام نادری و افشین حمودی» از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند.

روز سه‌شنبه پنجم مردادماه، عظیمه ناصری، شهروند کورد اهل شهرستان بوکان از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شد.

شامگاه روز شنبه دوم مردادماه، یک شهروند کورد به نام «ابراهیم طاریمردی» ۵۵ ساله فرزند محمدصالح اهل روستای «امروله» از توابع سنندج توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.